



گزارش از طغاری

ه آبانماه ۵۰

انقلاب عمان یکی از حساسترین مراحل خود را میگذراند. با تمام شدن فصل خریفه، یعنی فصل بارانهای موسمی در منطقه طغاری که مصادف با فصل تابستان در سایر مناطق خلیج است، نیروهای دشمن دست به نقل و انتقالات وسیعی در منطقه غربی ایالت طغاری زدند، که این نقل و انتقالات حکایت از تدارک دشمن برای یک حمله وسیع قریب الوقوع مینماید. جبهه خلق برای آزادی عمان، کرارا خبر حمله قریب الوقوع نیروهای شاه را در منطقه غربی اعلام نمود. جبهه خلق همچنین اعلام نمود که این حمله برخلاف گذشته حمله وسیعی خواهد بود، و در آخرین اعلامیه های جبهه گفته شد که این حمله در اواخر آبان ماه آغاز خواهد گردید.

روز ۲۳ مهر (برابر با ۵ اکتبر) حمله نظامی دشمن در ساعت ۵ و ۵ دقیقه صبح بدین ترتیب آغاز گردید:

۱- هواپیماهای دشمن قریه خوف (نزدیکترین قریه یمنی نسبت به مرز یمن - عمان) را شش پدا بمباران نمودند. این بمباران متناوبا تا غروب روز ۲۳ مهر ادامه داشت. این حملات هوایی در روز ۲۴ مهر نیز متناوبا تکرار میگردد. تجاوز هواپیماهای دشمن سخاک یمن دمکراتیک همچنان ادامه دارد. و در روز سوم مهرماه، بار دیگر بمباران دهگده یعنی خوف از طرف دشمن از سر گرفته شد.

۲- همزمان با بمباران هوایی، تیخانه دشمن در مرکز صرفیت، در شمال غرب منطقه آزاد شده، مناطق مسکونی یعنی را در مرز دو کشور زیر آتش تیخانه سنگین حرس گرفتند. آتشباری تیخانه همچنان ادامه دارد.

۳- همراه با تیخانه و هواپیماهای دشمن، فایدهای جنگی سرود درماتو اردن شاه سیر، همان مناطق مسکونی یمنی را که ادعا میکردند انقلابیون جبهه خلق برای آزادی عمان در مرکز دارند، بهر آتش تیخانه سنگین خود گرفتند. این آتشباری نیز همچنان ادامه دارد.

۱- در آخرین ساعات روز ۲۳ مهر، دشمن از مرکز صرفیت سمت جنوب در خط مرزی یمن و مکرانیک و عمان شروع به پیشروی نمود که نیروهای ارتش آزاد یبخت خلق در جبهه و سیمس با دشمن درگیر شده و قهرمانانه در برابر آنها دفاع نمودند. جنگ سختی هم اکنون بین انقلابیون عمانی و نیروهای قابوس و ارتش شاه در این منطقه جریان دارد.

۵- همچنین همزمان با پیشروی فوق، دشمن شروع به پیاده کردن نیروهای خشن در مناطقی در شمال - غرب بندر وخبوت نمود که نیروهای ارتش آزاد یبخت با آمادگیهای قبلی، بمقابله قهرمانانه‌ای با آنان پرداختند و هم اکنون جنگ سختی بین طرفین در این منطقه نیز در جریان است.

نتایج نبرد تا روز ۲۸ مهرماه بر اساس بهانه‌های نظامی جبهه خلق برای آزادی عمان به شرح زیر است:

- ۱- سقوط ۱۰ هواپیمای جنگنده و هلیکوپتر دشمن.
- ۲- کشته شدن ۱۰۱ نفر از نیروهای دشمن.
- ۳- نابودی بیش از ۱۰ موضع دفاعی مسلح به مسلسل سنگین دشمن.
- ۴- شهادت ۳ تن از رزمندگان ارتش آزاد یبخت خلق.

این حمله از نظر وسعت، وسیعترین حمله‌ایست که تاکنون نیروهای اشغالگر و تجاوز - گر شاه و استعمارگران انگلیسی و مزدوران قابوس بر علیه انقلاب خلق عمان بدان دست زده‌اند.

از طرف دیگر، برای نخستین بار در تاریخ دخالت نظامی ارتش شاه در عمان، رژیم شاه و قابوس رسماً اعلام میدارند که به خاک یمن و مکرانیک تجاوز کرده و مناطقی را در این کشور بمباران نموده‌اند. این سیاست جدید استعمارگران و سگان زنجیری آنها، شاه و قابوس است که با بمباران مناطق مسکونی خاک یمن و مکرانیک، در برابر افکار عمومی جهان و بهره‌خلاق عرب، مسئله اصلی عمان را که عبارت از نبرد رهایی بخش خلق عمان به رهبری جبهه خلق برای آزادی عمان بر علیه رژیم دست‌نشانده سلطان قابوس میباشد، اختلافات بین رژیم قابوس و دولت انقلابی یمن و مکرانیک جلوه دهند، و بدین ترتیب از برسمسیت شناختن جبهه خلق برای آزادی عمان سرپاژ زنند.

دولت انقلابی یمن و مکرانیک، با هوشیاری کامل از هرگونه اقدامی که منجر شناسائی رسمی ادعای دولتهای دست‌نشانده ایران و عمان شود، اجتناب می‌رزد و مصراً بر این آرزوی اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

موضع تأکید مینماید که دولت یمن دمکراتیک بهمیچوجه دخالتی در امور داخلی عمان نداشته مسئله اصلی را، جنگ بین دولت قاپوس از یکطرف و خلق عمان برهبری جبهه خلق برای آزادی عمان از طرف دیگر تشکیل میدهد.

از طرف دیگر، دولت‌های ارتجاعی و تسلیم طلب عرب، در برابر تجاوزات و کشتاری که نیروهای تجاوزگر شاه و استعمارگران انگلیسی و مزدوران اردنی و قاپوس نسبت به خدس قهرمان عمان بعمل می‌آوردند، سکوت اختیار کرده، با سکوت خویش در اعمال فشار بر جنبش عادلانه و بحق خلق عمان شرکت می‌جھند.

سازمان مجاهدین خلق ایران، طی تلگرامی همستگی کامل خود را با مبارزات عادلانه و بحق خلق عمان برهبری جبهه خلق برای آزادی عمان اعلام نمود. ما از کلبه نیروهای انقلابی و شرقی و بشردستان می‌خواهیم که بحمايت از انقلاب خلق عمان که مورد وحشیانه ترین حملات نظامی ارتش شاه مزدور و سگان همزنجیرش و استعمارگران انگلیسی قرار گرفته است، برخیزند، و با کوششهای افشاگرانه خویش، توطئه سکوت حکومت‌های ارتجاعی عرب را درهم شکنند.

متن تلگرام همستگی سازمان مجاهدین خلق، بدین شرح است:

رفقای کیمته اجرائی مرکزی جبهه خلق برای آزادی عمان!

در زمانیکه حملات وحشیانه و مشترک نیروهای شاه، این ژاندارم امپریالیسم آمریکا در منطقه و نیروهای قاپوس مزدور بفرماندهی استعمارگران انگلیسی، و با همکاری نیروهای ملک حسین خائن بر علیه خلق قهرمان و برادر عمان شدت یافته است و شاه‌های دیکتاتور خون آشام و این جلا د خلیق‌های ایران و خلیج از درون بلندگوهای تبلیغاتی خود بشیرمانه‌نقش خود بعنوان ژاندارم امپریالیسم در منطقه و کشتار خلق عمان افتخار میکند، و در زمانیکه مترجمین محلی و تسلیم طلبان عرب در برابر کشتار وحشیانه خلق قهرمان عرب در عمان به توطئه سکوت ادامه میدهند، ما از درون سنگر مبارزه مسلحانه خلق در ایران و در زهر سیاهترین و ددمشانه ترین دیکتاتوریهایی پلیسی تاریخ، همستگی خود را با مبارزات عادلانه خلق عمان برهبری "جبهه خلق برای آزادی عمان" اعلام میداریم و بار دیگر پیوند انقلابی خویش را با شما در راه نابودی کامل امپریالیسم و سگان زنجیرش در منطقه، بهره شکست نقشه‌های توسعه طلبانه و مداخله جھشانه رژیم شاه در خلیج، تجدید می‌نماییم.

ما یقین داریم همه تلاشهای تجاوزکارانه و ضد خلقی اهریالیستها و مرتجعین محلی در برابر اراده انقلابی خلقهای منطقه و همبستگی هر چه بیشتر آنها، سرانجامی جز شکست خفت بار برای آنان نخواهد داشت. و این سرنوشت محتوم همه دشمنان خلق هاست.

سازمان مجاهدین خلق ایران

۲۸ مهر ماه ۱۳۵۴

از طرف دیگر در روز جمعه ۱۹ مهرماه گذشته، از طرف جبهه خلق برای آزادی عمان کنفرانس مطبوعاتی ای با شرکت خبرنگاران روزنامه‌ها و مطبوعات معروف عربی و غربی و از آنجمله خبرنگار روزنامه لوموند و مجله نول الجزایر و تور فرانسوی و مجله شرقی الهلاخ بیروتی و همچنین خلیان اسیر ستوانیکم پرهیز علی اشرفیان آذر، در مناطق آزاد شده عمان تشکیل گردید و در آن کنفرانس خلیان اسیر به سئوالات خبرنگاران پاسخ گفت.

در این محاسبه مطبوعاتی که در اغلب مطبوعات معروف عربی منتشر گردید، ستوان اذرنیان از رفتار نوع العاده انسانی و دوستانه جبهه خلق برای آزادی عمان در مورد خویس سخن گفت و اظهار داشت که رژیم شاه و فرماندهان ارتش ایران، مردم و انقلابیون ظفار را شستی شوشی وحشی معرفی مینمایند، درحالیکه او با حقایق کاملاً مخالف ادعاهای فرماندهانش در ظفار روبرو شده است.

خلیان اسیر در این محاسبه اظهار داشت که او به توسط افسران آمریکایی که در ارتش ایران هستند، تعلیمات داده است. خلیان اسیر پیوسته از این موضوع اظهار نگرانی میکند که مبادا اگر حقایقی را در مورد رژیم شاه بگوید، رژیم و فرماندهان ارتش فرزندان خردسال او و خانواده فقیرش را تحت فشار اقتصادی قرار داده، آزار و شکنجه نمایند.

خلیان اسیر در این محاسبه درباره عدم رضایت سربازان و افسران ایرانی در ارسال آنها به ظفار سخن گفت و وقتی از او در مورد دلیل عدم رضایت نیروهای ایرانی به شرکت در جنگ با انقلابیون عمان سؤال شد، او پاسخ داد: زیرا که آنان هیچگونه منافعی در این جنگ ندارند.

ستوانیکم اشرفیان در مقاله سخنان خود اظهار میداشت که خلیانان ایرانی از فرماندهان خود دستور اکید دارند که حیوانات و مراکز تجمع آب اهالی ظفار را نابود سازند، و وقتی از او در مورد دلیل این امر سؤال شد، افزود: زیرا که حیوانات تنهها وسیله زندگانی این مردم است. اینناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

ضمیمه شماره ۱۷ - نشریه خبری مجاهدین - صفحه ۵

سختگویی جبهه خلق برای آزادی عمان در این کنفرانس مطبوعاتی اعلام داشت کسه سازمان صلیب سرخ بین المللی تلگرافی از هلال احمر عمان درباره چگونگی وضع ستوان اشرفیان پرسیده و از هلال احمر عمان خواسته است تا ترتیبی دهد که نماینده صلیب سرخ بین المللی بتواند با ستوان اشرفیان اسیر ملاقات نماید. در پاسخ به این تلگراف صلیب سرخ بین المللی، هلال احمر عمان طی تلگرافی رسماً اعلام نمود که خلبان اسیر در سلامت کامل بوده و خانواده او میتوانند از طریق جبهه خلق برای آزادی عمان با او مکاتبه داشته باشند. ولی در مورد ملاقات نماینده صلیب سرخ بین المللی با خلبان اسیر، سازمان هلال احمر عمان اعلام داشت که این امر در صورتی امکانپذیر است کسه همزمان با آن، نماینده جبهه خلق برای آزادی عمان و یا هلال احمر عمان بتوانند از زندانیان سیاسی عمانی در زندانهای سقط دیدن نمایند.

خلبان اسیر ستوانیکم پرویز علی اشرفیان آذر از اهالی رضایه آذربایجان بوده و چهارمین سال خدمت خاص را در ارتش ایران میگذرانده است. نامبرده دارای دو فرزند دختر و پسر میباشد.

ما در زهر تن کامل گفتار خلبان اسیر ستوان اشرفیان را خطاب به خلق عمان، عیناً نقل میکنیم.

تن کامل گفتار خلبان اسیر ایرانی، ستوانیکم پرویز علی اشرفیان آذر، که در مراسم خاصی در مناطق آزاد شده عمان (ایالت ظفار) در تاریخ پنجم آبان ماه، با شرکت گروه کثیری از مردم عمان، خطاب به خلق عمان ایراد کرده است:

"هدف ما مبارزه با شما بود. ولی با ایرانیان اصولاً هیچوقت راضی نبودیم که باین ماموریت بیاثیم. ولی چون سربازیم، مجبوریم دستور را گوش کنیم. ما از اینکه آدمیم باینجا، هیچ چیز درباره شماها ما نمیدانستیم. فقط ایمن رو میدانستیم که اونا یکمده شورشو هستن که کم نیستن، که میدوان منطقه استان ظفار رو مستقل کنن و زندگی کنن. از اینکه گفتم درباره شماها هیچ چیزی نمیدانستیم، حقیقت داره. و در ضمن بما گفته بودن و شاید موردیم که میگفتند اگر کسی بخاطر شما بیاد، با اسیر شما بشه، در همت اول قطعه قطعه اش میکنن.

و در یکی از این ماموریت ها بود که برای سربازها آب برده بودم، در موقع برگشتن مورد اصابت گوله شما قرار گزیدم و وقتی هلیکوپتر من سرنوگون شد،

چون برقیتم سنس کم بود ، من بهتر گفتم برو . ایشون رفت . چون پای من گلوله خورد ، بود ، مانند و بنده اسلحه‌ای که نداشتم که از خود دفاع کنم . چون برای ما دو نفر يك اسلحه بود که من آنرا دارم برقیتم و خودم بی اسلحه نشستم . در این موقع دیدم سه تا از رفقای شما دارن می‌آیند بطرف من . چون قبلاً شنیده بودیم که رفقای شما بمعمر دین‌اسیر میکشش ، و من چون اسلحه نداشتم از خودم دفاع کنم ، خودم را برای مردن آماده کردم . ولی برعکس تصور من ، این رفقا شما عوض اینکه مرا ازیت بکنند ، چون اسلحه نداشتم ، باکمال محبت ، صهربانی با اینکه ظهاره‌های انگلیسی بمباران میکردند اطرافرا ، اینها کمک کردند از زمین بلند شدم . مرا باخودشان آوردند توی غار . من چون از درد پام خیلی ناراحت بودم ، حتی خواهش کردم که اینا مرا بکشن . ولی اینا عوض اینکه مرا بکشن بمن محبت کردن ، مرا آوردن توی غار . توی غار که رسیدیم ، دیدم واقعا اینا چه صفا ، چه صمیمیت ، چه محبتی نسبت به همدیگه دارن .

تقریباً پنج روز طول کشید که مرا از جنگل تا اینجا آوردن و حتی برای راحتی من تنها وسیله‌ای که در آنجا بود ، يك الاغ بود ، اونو آوردن که من راحت باشم . خودشون شبها پتروپن میدادن من روس میخوابیدم ، خودشون روی زمین میخوابید . واقعا من تحت تأثیر کارهای اینا قرار گرفتم . درد اخل جنگل بسا اینکه تنه‌ها براینها افزود می‌آمد ، گلوله تنه‌ها ، انگلیسیها از هوا تیراندازی میکردن و نو اینا مراز برسندگ قائم میکردند بعد خودشون میامدن قائم میشدن ، و باهم ترتیب بوده که آدم رسیدم باینجا .

خیلی عذر میخوام ، یادم رفت بهترین بگم در جنگل بهترینی مرادید با اینکسه فکر میکنم این یکی از بستگان هم مرده بود ، این منمخل کرد و بوسید . من واقعا از این بهترین خجالت میکشیدم که چرا ماها آمدیم اینجا برای چه ؟ کی رابکشیم ؟ این زن را ؟

و ما آمدیم اینجا رسیدیم . در وهله اول دکتر آمد بالای سرم پاهم راپانسمان کرد و این مردی را که دور و بر من بودند و الان هم هستن ، يك آن از مواظبت من غفلت نمیکنند . آب میخوام ، آن واحد بالای سرم حاضر میکنن . خودشون غذای بد میخورن ، بهترین غذا رابمن میدن . اینکار واقعا شایسته يك انسانه . من خردم رو قابل این همه محبت شما نمیدونم . و چیزی که مرا اینجا بیشتر تحت تأثیر قرار داد ، این یکسان بودن ، هم شکل بودن محبت ، صمیمیت و وفاست که شماها نسبت به همدیگه دارین . در مملکت ما با در مملکتهای دیگه اینطوری

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

نیست. هرکس پول دارد، بیشتر احترام دارد، هرکس فقیرتر احترام ندارد. بعقیده شخص من، این تنها آرزوی هست که یک ملت فقیر دارد. ملت فقیر چه شماها باشید، چه ماها باشیم، چه جاهای دیگر دنیا باشند، طالب آزادی، طالب محبتند. من این احساس رو در بین شما دیدم و خودم چون از طبقه فقیرم، بخواسته‌های شما احترام میگذارم و خواسته‌های شما رو میدونم که الان بهترتون میگویم.

من در اول گفتم شما، ما ایرانیها هیچ چیز درباره شما نمیدانیم. ولی الان که من آمدم اینجا بعنوان یک ایرانی، این حقیقت برام مسلم شده که جنگ شما یک جنگ کمونیستی نیست. شورش نیست. بلکه یک آزادیه. شما هم طالب آزادی هستید. طالب این هستید که مدرسه داشته باشید، بیمارستان داشته باشید. مثل بقیه مردم آزادی داشته باشید. ولی ماها نمیگذاریم. و این حرفهایی که من میزنم، اینها از روی ترس نیست. برای اینکه من از مرکز نمیترسم و رفقای شما بهیچوجه مرا از پت نکرده‌اند که من پیام این حرفها رو بشما بزنم. اینها حقیقتی است که میبینم و احساس میکنم.

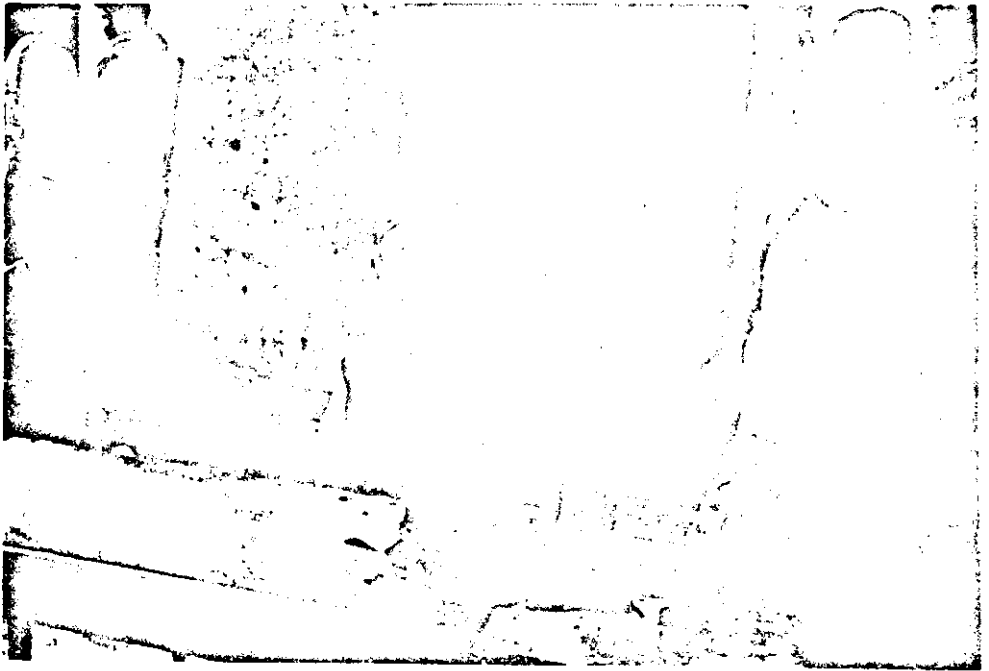
من مثل شماها که اغلبتون بچه دارین، دوتا بچه دارم. یکیش پسره و یکیش که کوچیکه دختره. کوچیکن اینها، ولی دلم میخواد یک زمانی اینا هم مثل شما ایمان داشته باشن. شماها هستون ایمان دارین و بخاطر ایمانتان جنگ میکنن. ولی ماها بخاطر چی؟ بعد از اینکه الان میفهمم که شما واقعا بخاطر آزادی و بخاطر ایمانتان جنگ میکنن، بشما احترام میگذارم و بخاطر محبتهایی که بمن کردین و میکنن، من هرکمی از دستم بریاد، برای شما میکنم.

دولت من و دولت عمان، من نمیدانم برای چی ما را فرستادن اینجا؟ با سلطان از ما چی میخواد که ما را خواسته اینجا؟ بما گفته که اینها شورشی، ولی دلم میخواد تمام ایرانیها اینجا باشند و ببینند که این مردم فقیر شورش نیستند. بخاطر بچه‌هاشون، بخاطر آزادیشون، بخاطر زندگیشون دعوا میکنن.

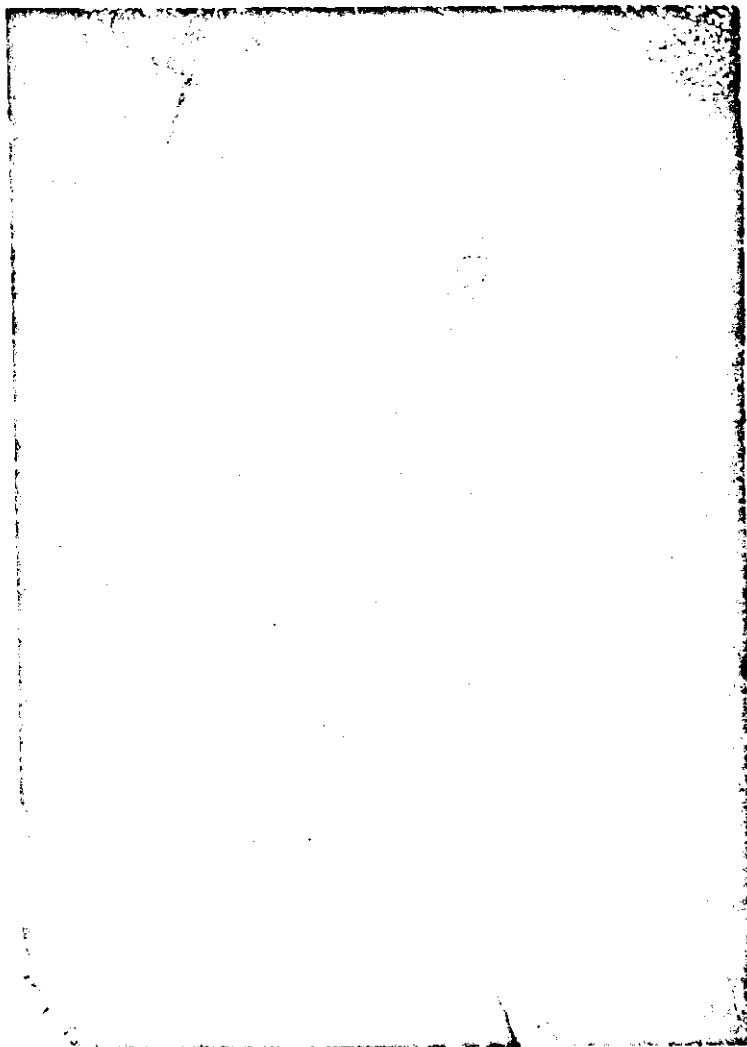
امروز از رفقای شما شنیدم که سه تا از رفقای شما که متوآوردن اینجا و نهایت محبت را بمن میکردن، شنیدم اینا شهید شدن. من از این بابست واقعا متأسفم. اینا بخاطر آزادیشون مردن. و اینم میدونم چون رفقای شما گفتند شماها بسیاری از غنیزانان را از دست دادین و من چون یکی از آن

آدمها هستند که آدم اینها و عزیزان شما را گرفتند، بخاطر محبتهای شما، بخاطر انسانیتهای شما که بمن کردید، من خونم را برای شما حلال میدانم و در دایره عرایضم آرزو میکنم که شما با این ایمانی که دارید، به خاطر هدفی که دارید، موفق باشید.

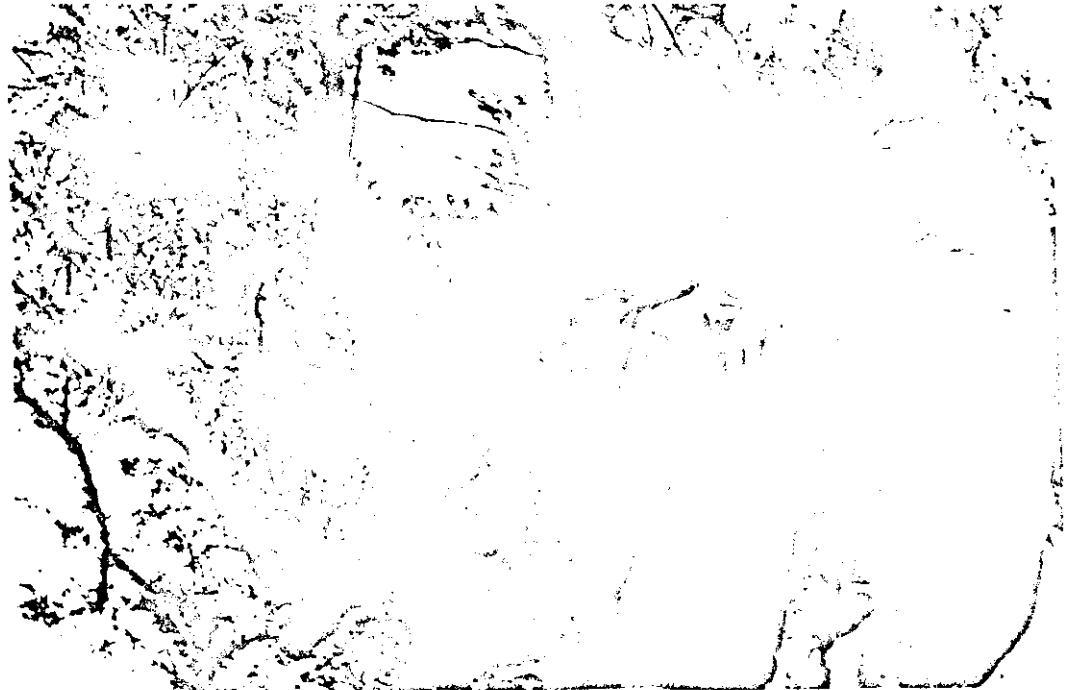
میدانید که فراموش کردم بهترین بگم، این کلاه که می بینید و این لباسی که می بینید، این هواپیمایی که می بینید، خیال نکنید این شکست ناپذیره. این کلاه فقط برای صحبت کردن با پایگاهست، فقط و بس. حفاظ دفاعی ندارد و در ضمن این هواپیمای هلیکوپتر هم که می بینید، این آسیب پذیره. خیال نکنید که اینها ناپذیره. از این وحشت نداشته باشید.



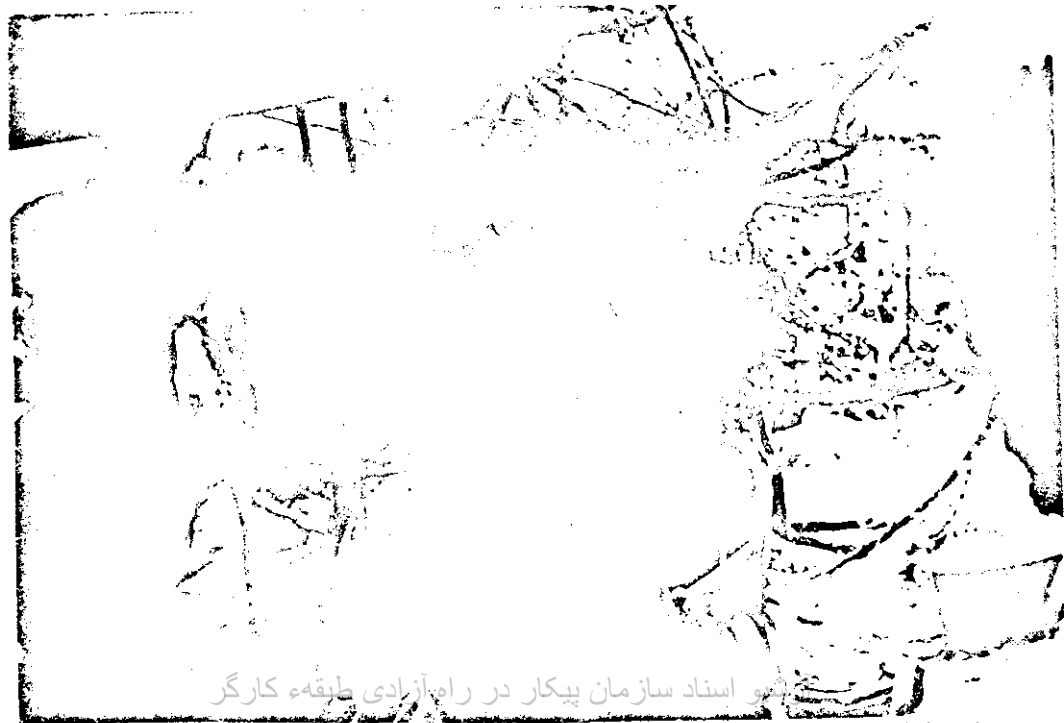
دانشجویان اسیر ستروانیکم برهیز علی اشرفیان آذر در مصاحبه مطبوعاتی که در منطقه آزاد شده ظفار بر پا شده بود



قطعه ای از هواپیمای هوکرها تراکتیسی که در روز سه شنبه ۱۲ ماه
در منطقه ظفار سقوط کرد



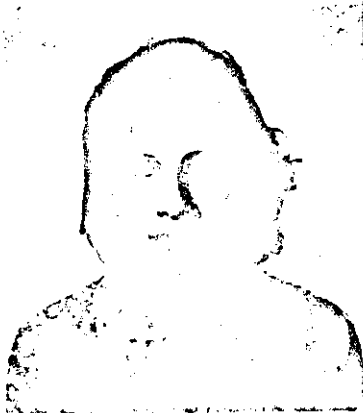
گروهی از رزمندگان ارتش آزاد یمن که در حال بازگشت از عطیات هستند تکه‌هایی از هواپیمای سرنگ شده را با خود حمل میکنند



هو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

مادر قهرمان ظفاری قطعه‌ای از هواپیمای سرنگ شده به پسرش فرزندش انتقالی خلق عمان برانگام میکند

شهادت رفیق رفعت افراز در ظفار



روزهشتم شهریور ماه یکی از فرزندان انقلابی خلق
رفیق رفعت افراز از اعضای سازمان مجاهدین
خلق ایران که از طرف سازمان بهاری برادران عمانی
خود در آن سوی خلیج لغزام شده بود، در عمان
بشهادت رسید.

رفیق افراز در سال ۱۳۲۴ در شهر جهرم در خانواده
دعای توسط متولد شد. در اوایل جوانی پس از در

گذشت پدرش و در حین تحصیل از طریق کارهای خانگی عهده دار قسمتی از مخارج زندگی مادر و
خواهرانش شد. پس از گذراندن دبیرستان به تدریس در مدارس جهرم و تهران پرداخت. او
آموزگار، دبیر و جدی و صدیق کودکان جهرم بود و در حرفه معلمی اش همواره به افتخار جنایات
 رژیم شاه و بالا بردن سطح آگاهی دانش آموزان می پرداخت.

فعالیت اجتماعی - سیاسی او از شرکت در برخی محافل مذهبی - سیاسی جهرم شروع شد. او در سال
۱۳۴۶ به تهران آمد و بعنوان دبیر دبستان رفاه مشغول به کار شد. از ابتدای اقامتش در تهران
در ارتباط با سازمان قرار گرفت و از سال ۴۹ به عضویت سازمان مجاهدین در آمد. از سال ۵۰ به ویژه
پس از ضربه شهریور ۵۰ در روزمانیکه دیکتاتوری - پلیسی شاه جنایتکار شد بدترین حملات سرکوب را
 علیه انقلابیون خلق مالمعال می داشت. رفیق افراز با ساختن محمل هایی بیشترین وقت خود را برای
 مبارزه علیه دشمن خلق آزاد نمود و تا سال ۵۴ در حالیکه بصورت علنی زندگی می کرد - مبارزه خود
 علیه رژیم دیکتاتوری شاه خائن ادامه داد.

ضمیمه شماره ۱۷ _____ نشریه خبری مجاهدین _____ صفحه ۱۰

در سال ۵۴ همزمان با تشدید حملات نیروهای متحد ارتش شاه و قاپوس - این سگان زنجیری امپریالیزم - لیسم آمریکا و انگلیس - علیه خلق قهرمان عمان برای استحکام وحدت هرچه بیشتر نیروهای انقلابی منطقه و باری رفتن انقلاب مائو در آسیای خلیج به جبهه نبرد علیه امپریالیسم - ارتجاع در ظفار اعزام شد . وی مشتاقانه از مبارزه در سخت ترین شرایط اقلیمی علیه ضعف جسمی اثر و علیه عدم اهتلاجه بیماری آسم استقبال نمود :

رفیق افراز چندین ماه همدوش رفتن عمانی در ارتش آزادیبخش خلق عمان بر رهبری جبهه خلق برای آزادی عمان به مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع ادامه داد و در روز هشتم شهریور ماه ۱۳۵۴ در اثر اهتلاجه به یک بیماری بومی شهید شد .

گرامی بساد خاطره مجاهد شهید رفعت افراز

مستحکم بساد همبستگی نیروهای انقلابی منطقه

سرگ بر امپریالیسم و سگان زنجیرش شاه و قاپوس

در منطقه